نقد نظر
شماره نهم
آبان ۱۴۰۵
۸

نقدی بر گذار ناتمام از مفهوم به ضابطه در معماری ایرانی-اسلامی؛ بررسی انتقادی اسناد سیما و منظر شهری قم

زهرا عباسی

گروه معماری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

تلاش برای بازشناسی و احیای هویت ایرانی-اسلامی در معماری و شهرسازی طی چند دهه اخیر به یکی از محورهای سیاست‌گذاری فضایی در ایران تبدیل شده است. در این میان، مجموعه‌ای از قوانین، مصوبات و دستورالعمل‌های ملی و محلی، به‌ویژه در حوزهٔ سیما و منظر شهری، با هدف ساماندهی نماها و ارتقای هویت کالبدی شهرها تدوین شده‌اند. با وجود این، استمرار ناهماهنگی‌های بصری در شهرهایی همچون قم، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا مفاهیم معماری ایرانی-اسلامی در این اسناد از سطح ارزش‌ها و توصیه‌های کلی به معیارهای روشن، قابل سنجش و قابل اجرا تبدیل شده‌اند؟ نقد حاضر با رویکرد تحلیلی-انتقادی، اسناد فرادست مرتبط با هویت معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی و دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم را در دو محور بررسی می‌کند: نخست، کفایت مفهومی و عملیاتی معیارهای ارائه‌شده و دوم، میزان پیوند میان ضابطه، سازوکار اجرا و واقعیت کالبدی شهر. بررسی انتقادی نشان می‌دهد که اگرچه اسناد موجود در تثبیت گفتمان هویت ایرانی-اسلامی و طرح موضوعاتی همچون هماهنگی با زمینه، مصالح، رنگ، تناسبات، حریم و کیفیت منظر نقش مهمی داشته‌اند، در بسیاری موارد معیارها فاقد تعریف دقیق و سنجه‌های ارزیابی هستند. از سوی دیگر، تعدد نهادهای سیاست‌گذار، ضعف ضمانت اجرایی، نبود چک‌لیست‌های دقیق، محدودیت سازوکارهای نظارت و بی‌توجهی کافی به عوامل اقتصادی و مشارکت شهروندان، فاصله میان «خواست سیاستی» و «تحقق کالبدی» را تشدید کرده است. بر این اساس، مسئله اصلی نه فقدان کامل ضابطه، بلکه گذار ناتمام از مفهوم به معیار، از معیار به سازوکار اجرا و از اجرا به ارزیابی است.

واژگان کلیدی: معماری ایرانی-اسلامی، سیما و منظر شهری، ضوابط نما، نقد سیاست‌گذاری

DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2

Email: zahraabbasi@iau.ac.ir

نشریه مکتب نقدنظر، ۲ (۹): ۲۳ - ۸ تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۱۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۸/۱۰

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]

[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

نقد نظر
شماره نهم
آبان ۱۴۰۵
۹

مهم‌ترین کاستی‌های محتوایی و اجرایی اسناد ساماندهی سیما و منظر شهری قم در تبدیل مفاهیم معماری ایرانی-اسلامی به ضوابط روشن و زمینه‌مند چیست؟

مقدمه و بیان مسئله

سیما و منظر شهری حاصل تعامل عوامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی است و کیفیت آن را نمی‌توان صرفاً به ویژگی‌های ظاهری نماهای ساختمانی محدود کرد. نما، اگرچه یکی از آشکارترین مؤلفه‌های منظر شهری است، فراتر از یک مسئله زیبایی‌شناختی، با هویت، فرهنگ، نظام اجتماعی، منافع اقتصادی و سیاست‌گذاری شهری ارتباط دارد. ازاین‌رو، ساماندهی سیما و منظر شهری نیازمند پیوند میان ارزش‌های هویتی، ضوابط طراحی، نظام نظارت و فرایند تحقق کالبدی است. در ایران، توجه به هویت اسلامی-ایرانی در شهرسازی و معماری به‌تدریج وارد قوانین و اسناد رسمی شده است. ماده ۱۶۹ قانون برنامهٔ پنجم توسعه، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران را به سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و ترویج الگوهای معماری و شهرسازی اسلامی-ایرانی مکلف کرد (قانون برنامهٔ پنجم توسعه، ۱۳۸۹). در ادامه، ضوابط و مقررات ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری در سال ۱۳۸۷ و سند جامع ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری در سال ۱۳۹۱ تصویب شدند و موضوع کیفیت سیما و منظر را وارد نظام رسمی برنامه‌ریزی و ضابطه‌گذاری شهری کردند (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۷؛ ۱۳۹۱). همچنین، تصویب ضوابط و شاخص‌های لازم‌الرعایه جهت بازیابی هویت شهرسازی و معماری اسلامی-ایرانی در سال ۱۳۹۱، تلاشی برای تبدیل مفهوم هویت اسلامی-ایرانی به مجموعه‌ای از شاخص‌ها و ضوابط بود. با وجود این اقدامات، بخشی از مفاهیم کلیدی این اسناد همچنان کلی و تفسیربردار است و پرسش مهمی دربارهٔ میزان شفافیت، قابلیت سنجش و امکان اجرای آن‌ها مطرح می‌شود. این مسئله در سند ملی شهرسازی و معماری اسلامی-ایرانی مصوب ۱۴۰۳ نیز اهمیت دارد؛ زیرا این سند ضمن تأکید بر احیای هویت اسلامی-ایرانی و ساماندهی سیما و منظر شهری، بر بازنگری ضوابط و تقویت ضمانت اجرایی آن‌ها تأکید کرده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۳). همچنین، ضوابط عمومی طراحی نمای بناهای شهری مصوب ۱۴۰۲، با تأکید بر تعیین و تدقیق شاخص‌های معماری ایرانی-اسلامی و معماری بومی و بومی‌سازی ضوابط، ضرورت تبدیل مفاهیم کلی به معیارهای اجرایی را مورد توجه قرار داده است (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران،

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

۱۴۰۲). ایـن موضـوع در شـهر قـم اهمیـت بیشـتری دارد؛ زیـرا دسـتورالعمل سـاماندهی نماهـای شـهر قم بر رعایـت معمـاری اصیـل ایرانی-اسـلامی و الگـوی معمـاری بومی قـم تأکیـد دارد و معیارهایی همچون شـکل، مقیـاس، مصالـح، رنـگ و تناسـبات را مطرح می‌کند (سـازمان نظام مهندسـی سـاختمان اسـتان قـم، ۱۳۹۹). بااین‌حـال، مفاهیمـی ماننـد «معمـاری اصیـل ایرانی-اسـلامی»، «معمـاری بومـی قـم»، «فـرم نامتعـارف» و «هماهنگـی بـا محیـط» تـا چـه انـدازه دارای تعاریـف دقیـق و شـاخص‌های قابـل اندازه‌گیـری هسـتند؟ نبود معیارهـای روشـن می‌توانـد زمینـهٔ تفسـیرهای متفـاوت در طراحـی، بررسـی و تصویـب نمـا را فراهـم کـرده و فاصلـهٔ میـان اهـداف ضوابـط و نتایـج کالبـدی را افزایـش دهـد. از سـوی دیگـر، اسـتمرار ناهماهنگی‌هـای بصـری در شـهر قـم را نمی‌تـوان صرفـاً بـه ضعـف محتوایـی یـا عـدم اجـرای ضوابـط نسـبت داد. تعدد اسـناد و مراجـع تصمیم‌گیـر، محدودیت‌هـای نظارتـی، عوامـل اقتصـادی ساخت‌وسـاز، هزینـهٔ مصالـح، ترجیحـات مالـکان و مصرف‌کننـدگان، منافـع سـازندگان و میـزان مشـارکت شـهروندان نیـز می‌تواننـد در شـکل‌گیری ایـن شـکاف مؤثـر باشـند. بنابرایـن، مسـئلهٔ اصلـی نقد حاضـر، صرفاً بررسـی وجـود یا فقـدان ضوابط نیسـت، بلکـه ارزیابـی کارآمـدی محتوایـی و اجرایـی آن‌هـا و میـزان تبدیل مفاهیـم هویتی بـه معیارهای روشـن، قابل سـنجش و قابـل اجـرا اسـت. بـر ایـن اسـاس، مسـئله‌محوری نقـد حاضـر در قالـب شـکاف میـان مفهـوم، ضابطـه و تحقـق کالبـدی بررسـی می‌شـود؛ بـه این معنـا که مفاهیـم معمـاری ایرانی-اسـلامی در اسـناد ملی و ضوابـط شـهر قـم تعریـف و بررسـی شـود و نحـوهٔ عملیاتـی شـدن عواملی کـه موجـب فاصلهٔ میـان ضوابط و واقعیـت کالبـدی سـیمای شـهر قـم شـده‌اند مشـخص گـردد.

بدنهٔ نقد

هویـت معمـاری ایرانی-اسـلامی مفهومـی چندلایـه اسـت و نمی‌تـوان آن را بـه چنـد نمـاد، فـرم یـا عنصـر تزئینـی تقلیـل داد. در ایـن چارچـوب، مؤلفه‌هایـی همچـون رابطـهٔ بنـا بـا زمینـه، مقیـاس و تناسـب، حریـم و همجـواری، ارتبـاط بـا طبیعـت، مصالـح و رنـگ و سـازمان فضایـی در کنـار جنبه‌هـای نمادیـن اهمیـت می‌یابنـد. ازایـن‌رو، هنگامـی کـه چنیـن مفاهیـم کیفـی و چندلایـه‌ای وارد نظـام ضوابط شـهری می‌شـوند، نیازمنـد فراینـدی روشـن بـرای تعریـف، شاخص‌سـازی و عملیاتی‌شـدن هسـتند؛ در غیـر ایـن صـورت، مفاهیمـی ماننـد «اصالـت»، «هویـت»، «هماهنگـی» و «معمـاری ایرانی-اسـلامی» در سـطح گزاره‌هـای ارزشـی باقـی می‌ماننـد و بـه معیارهـای قابـل ارزیابـی تبدیـل نمی‌شـوند. نمـا در مقیـاس شـهری نـه یـک سـطح مسـتقل و منفـرد، بلکـه بخشـی از سـاختار فضایـی و بصـری شـهر اسـت کـه در ارتبـاط بـا بناهـای مجـاور، خیابـان، فضـای عمومـی، زمینـهٔ تاریخـی و فرهنگـی، شـرایط اقلیمـی و نحـوهٔ ادراک شـهروندان معنـا پیـدا می‌کنـد. ازایـن‌رو، نقـد ضوابـط نمـا نبایـد صرفـاً به بررسـی فهرسـت مصالـح، رنگ‌هـا، ارتفـاع یـا عناصـر تزئینـی محـدود شـود، بلکه لازم اسـت نسـبت میـان ضابطه و مجموعـه‌ای از ارزش‌هـای کالبـدی، فرهنگـی، ادراکـی، اجتماعـی و محیطـی مـورد توجـه قرار گیـرد. در ادبیـات معاصـر طراحـی شـهری نیـز کیفیـت محیـط شـهری حاصـل تعامـل ابعـاد مورفولوژیـک، بصری، ادراکـی، اجتماعـی، عملکـردی و زمینـه‌ای دانسـته می‌شـود و نمی‌تـوان آن را بـه یـک بعـد منفـرد فروکاسـت (Carmona, 2021).

در معمـاری ایرانی-اسـلامی نیـز کیفیـت کالبـدی بنـا و شـهر در پیونـد بـا مجموعـه‌ای از اصول ارزشـی و فضایـی شـکل گرفتـه اسـت. مفاهیمـی کـه صرفـاً زیبایی‌شـناختی نیسـتند؛ بلکـه به نحـوهٔ سـازمان‌یابی رابطـهٔ انسـان، فضـا، فرهنـگ و محیـط مربـوط می‌شـوند. بنابرایـن، هنگامـی کـه ضوابـط نمـا بـا هـدف حفـظ هویـت معمـاری و سـاماندهی سـیمای شـهری تدویـن می‌شـوند، انتظـار مـی‌رود ایـن اصـول

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

از سطح مفاهیم کلی به معیارهایی تبدیل شوند که بتوانند در فرایند طراحی و ارزیابی نما راهنمای تصمیم‌گیری باشند. بر این اساس، مهم‌ترین نکته در بررسی ضوابط نمای قم، نه صرفاً وجود واژه‌هایی مانند «هویت»، «هماهنگی»، «معماری ایرانی-اسلامی» یا «زیبایی» در متن ضوابط، بلکه چگونگی تبدیل این مفاهیم به اصول روشن و قابل استفاده در طراحی و ارزیابی نماست. این چارچوب، اصول معماری ایرانی-اسلامی به‌عنوان مبانی هنجاری و مفهومی، مستقیماً معادل ویژگی‌های شکلی نما در نظر گرفته نمی‌شوند؛ بلکه از طریق فرایند ترجمهٔ مفهومی به نمودها و شاخص‌های معماری، امکان سنجش تجربی پیدا می‌کنند. ازاین‌رو، وجود یک عنصر سنتی مانند قوس، کتیبه یا تزئینات هندسی به‌تنهایی نمی‌تواند بیانگر هویت ایرانی-اسلامی تلقی شود؛ بلکه میزان انطباق سازمان فضایی و کالبدی نما با اصولی همچون وحدت، تناسب، محرمیت، مقیاس انسانی، زمینه‌گرایی و بوم‌آوردی اهمیت اساسی دارد. این تمایز، امکان بررسی معماری معاصر را بدون گرفتار شدن در رویکرد تقلیدی و بازتولید صوری عناصر تاریخی فراهم می‌کند. در نتیجه، هماهنگی با زمینه، پیوستگی جداره، تناسبات، مقیاس انسانی، کنترل حریم، خوانایی، کیفیت مصالح، تداوم بصری و انسجام میان اجزای نما از جمله مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند میزان تحقق این اصول را در معماری معاصر آشکار سازند. درجدول ۱ به نظریات مطرح در این زمینه و ارتباط ان با سیمای شهر اشاره می‌گردد.

مرور دیدگاه های مطرح در حوزه معماری ایرانی اسلامی نشان دهنده طیف متنوعی از اصول و معیارهاست. این معیارها در لایه های مختلفی از سیمای شهر تا معماری در جریان است. توجه به روح معماری ایرانی ـ اسلامی در طراحی نمای ساختمان، بیش از بازتولید عناصر تاریخی، به بازخوانی اصول و منطق فضایی نهفته در این معماری مربوط است. نما به‌عنوان یکی از آشکارترین عناصر معماری در منظر شهری، در شکل‌دهی به تجربه بصری، هویت و کیفیت محیط نقش دارد؛ ازاین‌رو، طراحی منفرد و بی‌ارتباط با زمینه می‌تواند به گسست در سیمای شهری منجر شود (Pineda-Zumarana & Alpaca-Chavez, 2024). پژوهش‌های جدید نیز نشان می‌دهند که ویژگی‌های نما، از جمله مصالح و نحوه شکل‌گیری عناصر بصری، می‌توانند در ادراک حس مکان و هویت شهری نقش داشته باشند (Chen et al., 2025).

در ایران، توجه به کیفیت سیما و منظر شهری طی چند دههٔ گذشته به‌تدریج از سطح مباحث نظری به حوزهٔ سیاست‌گذاری و ضوابط اجرایی وارد شده است. در مصوبهٔ «ضوابط و مقررات ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری» شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۵، هدف از تدوین ضوابط، «ارتقاء کیفی بصری و ادراکی سیما و منظر شهری»، ساماندهی سیما و منظر، احیای فرهنگ معماری و شهرسازی گذشته و جلوگیری از ناهماهنگی‌های بصری و کارکردی اعلام شده است (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۷). همچنین در همین مصوبه، منظر شهری به مجموعه عناصر طبیعی و مصنوع قابل مشاهده از عرصه‌های عمومی و «نما» به سطوح نمایان ساختمان‌ها که از معابر قابل مشاهده‌اند، تعریف شده است. این تعریف از آن جهت اهمیت دارد که نما را از یک موضوع صرفاً معماری به بخشی از تجربهٔ عمومی شهر ارتقا می‌دهد. مصوبهٔ مذکور همچنین ایجاد «کمیته‌های ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری» را برای ایجاد هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط پیش‌بینی کرده است. در ادامهٔ این روند، مصوبهٔ «ضوابط عمومی نمای بناهای شهری» شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، مصوب ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ و ابلاغ‌شده در ۱۴۰۳/۲/۲۵، رویکرد صریح‌تری نسبت به هویت ایرانی-اسلامی اتخاذ کرده است. در مقدمه مصوبه، «ایجاد زمینه‌های

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

تحقـق شـاخص‌های معمـاری ایرانی-اسـلامی و معمـاری بومـی»، «فراهـم آوردن زمینـهٔ ظهـور و بـروز هویت مـکان در نماهـای شـهری»، هماهنگـی نمـا بـا ویژگی‌هـای بسـتر طبیعـی، تاریخـی و فرهنگـی و کاهـش ناهماهنگی‌هـای بصـری از اهـداف اصلـی ذکـر شـده اسـت (شـورایِ عالـی شهرسـازی و معمـاری ایـران، ۱۴۰۲). اهمیـت ایـن مصوبـه در آن اسـت کـه برخـلاف رویکـرد صرفـاً توصیـه‌ای، کمیته‌هـای ارتقـاء کیفـی سـیما و منظـر شـهری را موظـف می‌کنـد شـاخص‌های «معمـاری و شهرسـازی ایرانی-اسـلامی» و «معماری بومـی» را تعییـن و تدقیـق کننـد و آنهـا را مبنـای تکمیـل و بومی‌سـازی ضوابـط عمومـی نمـا قـرار دهنـد. همچنیـن مصوبـه تصریـح می‌کنـد کـه ایـن ضوابـط بایـد در طرح‌هـای جامـع و تفصیلی هر شـهر، متناسـب بـا ویژگی‌هـای فرهنگـی، طبیعـی و تاریخـی بسـتر، تدقیـق و بومی‌سـازی شـده و مبنـای صـدور مجوزهـای سـاختمانی قـرار گیرنـد. از منظـر انتقـادی، همیـن بخـش از مصوبـه ۱۴۰۳/۱۴۰۲ یکـی از مهم‌تریـن نقـاط قابـل بحـث را آشـکار می‌کنـد: اصـل هویت‌محـوری در سـطح سیاسـت‌گذاری بـه رسـمیت شـناخته شـده، امـا بخـش مهمـی از فراینـد تبدیـل آن بـه شـاخص‌های دقیـق بـه سـازوکارهای بومی‌سـازی در سـطح شـهر واگـذار شـده اسـت. بنابرایـن، صـرف وجـود عباراتـی ماننـد «معمـاری ایرانی-اسـلامی»، «معمـاری بومـی»، «هویـت مـکان» یـا «هماهنگـی بـا بسـتر» بـرای ایجـاد یـک نظـام ارزیابـی کافـی نیسـت؛ بلکـه بایـد مشـخص شـود ایـن مفاهیـم در هـر شـهر دقیقـاً بـا چـه مؤلفه‌هایـی تعریـف می‌شـوند، چگونـه بـه معیارهـای طراحـی تبدیـل می‌شـوند و بـر اسـاس چـه سـنجه‌هایی مـورد ارزیابـی قـرار می‌گیرنـد. نکتـهٔ قابـل توجـه آن اسـت کـه خـود مصوبـه جدیـد نیـز بـر ضـرورت تعییـن و تدقیـق شـاخص‌ها تأکیـد کـرده اسـت. در مـورد شـهر قـم، دسـتورالعمل سـاماندهی نماهـای شـهر قـم در همین چارچـوب قابـل بررسـی اسـت. بـا وجـود ابـلاغ ایـن آیین‌نامـه از نظـر اجرایـی و عملـی، نماهـای شـهر قـم ناهماهنـگ و نامتناسـب و حتـی در برخـی مـوارد مغایـر و متضـاد آیین‌نامه‌هـای مصـوب نمـا ارزیابـی کـرد. بـه نظـر می‌رسـد علی‌رغـم وجـود ضوابـط مشـخص در خصـوص طراحـی و اجـرا، نماهـا از ایـن قواعد پیـروی نکـرده و بنابراین این ضوابـط در اجـرا چنـدان موفـق عمـل نکـرده انـد. تحقق‌پذیـری ضوابـط ضعیـف ارزیابی می‌شـود برخـی اشـکالات، در ضوابـط عنـوان شـده انـد ولـی در اجـرا موفـق نبوده‌انـد. هدایـت نماهـا بـه طـور تصادفـی و غیر مدیریتی صـورت گرفته که نشـان دهندهٔ عـدم تسـلط مدیریـت شـهری در حیطـهٔ اجـرای نماهاسـت (Majidi & Afzali, 2026) (تصویر ۱).

مسئلهٔ اصلی ضوابط سیما و منظر شهری قم، فقدان توجه به هویت ایرانی-اسلامی نیست، بلکه ناتمام ماندن فرایند تبدیل این مفهوم به معیارهای روشن، قابل سنجش و قابل اجراست. مفاهیمی مانند «اصالت»، «هویت»، «هماهنگی با محیط» و «معماری ایرانی-اسلامی» در برخی موارد فاقد تعریف عملیاتی و ابزار ارزیابی دقیق‌اند و زمینهٔ تفسیرهای متفاوت را فراهم می‌کنند. ازاین‌رو، بهبود کیفیت منظر شهری قم بیش از تولید اسناد جدید، به یکپارچه‌سازی ضوابط موجود، شاخص‌سازی، تقویت نظارت و پیوند مؤثر میان ضابطه و واقعیت کالبدی نیاز دارد.

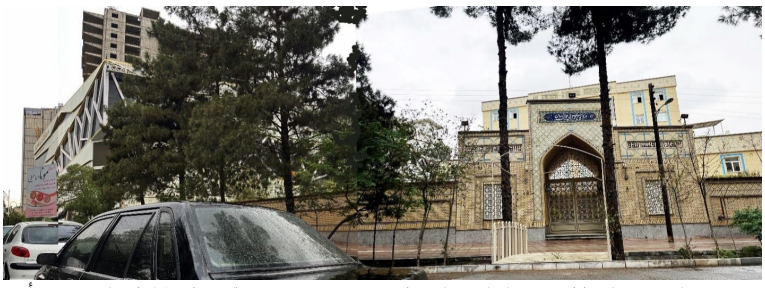

تصویر ۱. تفاوت در سبک طراحی در بناهای تجاری و اموزشی، عدم توجه به تراکم و اختلاف ارتفاع در بدنه، تأثیر مستقیمی بر ناهنجاری سیمای شهری دارد. مأخذ: نگارنده.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]

[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

جدول ۱. مروری بر نظریات مطرح در حوزهٔ معماری اسلامی و تاثیر آن بر مؤلفه‌های کالبدی نما. ماخذ: نگارنده بر گرفته از منابع داخل جدول.

دیدگاه	اصل	نمود	شاخص	منبع	مؤلفه‌های متأثر از شاخص‌ها در کالبد نما
قرآن و احادیث	توحید	وحدت	پیوستگی	Tavasoli, 2000 حبیبی، ۱۳۷۸ Naghizadeh, 2013	وجود ارتباط با سایر فضاهای شهری اتصال و ارتباط اجزا پیروی از الگوی واحد در نما وجود موتیف‌های اصلی و نمایان کاربرد مصالح مشترک
			سادگی	Burckhardt, 1967/1990 Ardalan & Bakhtiar 1973/2001	سادگی شکل و فرم توده‌ها، سادگی اجزا و عدم تفاخر و جلب توجه نما
			مرکزگرایی	Bemanian, 2007	برجستگی ابنیه و فضاهای مذهبی تقارن
			تداوم	Nasr, 1987/1996	شفافیت سطوح
			توازن	نقره کار و همکاران، ۱۳۷۸	موزونی روابط فضایی، اشکال و فعالیت‌ها
		کثرت	سلسله‌مراتب	حبیبی، ۱۳۷۸	رده‌بندی فضایی، کالبدی و عملکردی، رده‌بندی در نگاره‌ها
	سیر از ظاهر به باطن	تذکر	نمادگرایی	نقی‌زاده، ۱۳۹۲	وجود فرم‌های سنتی (گنبد، قوس)، کتیبه و نوشته‌ها کاربرد رنگ و بی‌رنگی‌های واجد ارزش
			طبیعت گرایی	Burckhardt, 1967/1990 Nasr, 1987/1996	حضور گیاه، آب و درخت واستفاده از ویژگی‌های طبیعی شکل زمین
			نور	نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۷	استفاده از مصالح جلوه‌گر نور در بناهای مذهبی و شاخص
			تزئین	Nasr, 1987/1996	کاربرد تزئینات (طرح‌های هندسی و اسلیمی) در بناهای مذهبی و شاخص
	جمال و جلال	زیبایی	نسبت و تناسب اجزا	Burckhardt, 1967/1990 Nasr, 1987/1996	استحکام بصری نما و پیمون‌بندی تناسب ورودی، کنج‌ها، پیش‌آمدگی‌ها و مصالح
			رمز و راز	حبیبی، ۱۳۷۸ نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۷	پیچیدگی
	عدالت	حقوق امت	همه‌شمولی	Naghizadeh, 2013	برخورداری از هوا و نور طبیعی
			امنیت و آرامش	فارابی، ۱۳۷۶	حس امنیت آسایش اقلیمی
			تعادل	Tavasoli, 1986	توزیع عادلانه و متناسب بودن اجزا
	محرمیت	حریم	حریم بصری	حکیم، ۱۳۸۱ پیرنیا و معماریان، ۱۳۷۴	عدم اشراف به فضای خصوصی مسکونی عدم اشراف به درها و پنجره‌های مجاور عدم مزاحمت ارتفاع و زائده‌های مرتفع ساختمان
			حریم صوتی	Tavasoli, 1986 Naghizadeh, 2006	استفاده از مصالح عایق صدا و عدم وجود روزنه‌های عبوردهنده صدا

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

ادامه جدول ۱.

دیدگاه	اصل	نمود	شاخص	منبع	مؤلفه‌های متأثر از شاخص‌ها در کالبد نما
دیدگاه صاحبنظران	مردم واری	مقیاس انسانی	محصوریت	پیرنیا معماریان، ۱۳۷۴ Tavassoli & Bonyadi, 1992	نسبت مناسب بدنه به عرض فضاها وعدم وجود فضاهای خطی یکنواخت
			قلمرو		وجود فضاهای نیمه‌عمومی/ نیمه‌خصوصی
			احساسات انسانی		حس نزدیکی، حفاظت و امنیت
	پرهیز از بیهودگی	کارایی	کاربردی بودن اجزا	پیرنیا و معماریان، ۱۳۷۴	استفاده از تزئینات با هویت عدم به کارگیری نقوش و تزئینات بیگانه انعطاف‌پذیری بنا
	نیارش	ایستایی	استاتیک	پیرنیا و معماریان، ۱۳۷۴ نقره‌کار، ۱۳۸۹ Tavassoli & Bonyadi, 1992	استحکام سازه‌ای بنا و مقاومت در برابر حوادث غیرمترقبه
			فن ساختمان		شناخت و کاربرد صحیح و جزئیات ساختمانی و اجرایی
			مصالح شناسی		شناخت و کاربرد صحیح مصالح
	خوبسندگی	پایداری	بوم‌آوردی	Tavassoli & Bonyadi, 1992	استفاده از مصالح بوم‌آورد واستفاده از تکنیک‌های ساخت موجود
		اقلیم	سبک، بافت و مصالح	پیرنیا و معماریان، ۱۳۷۴ بهزادفر، ۱۳۸۹	در نظر گرفتن تأثیرات اقلیمی و بومی بر سبک، بافت و مصالح نما
			رنگ و نور		توجه به رنگ، نور و روشنایی
	توجه به ادراکات	فرم و فضا	ارکان و اجزا	Falamaki, 2010 Alexander2016 حبیبی، ۱۳۸۷ Lynch, 1960/2016	رعایت خط آسمان در نمای ساختمان‌های مجاور در نظر داشتن فضای پر و خالی و الزامات حجمی
		غنای حسی	زمینه‌گرایی		ایجاد حس تعلق، خاطره‌انگیزی و تداعی معانی فرهنگی توجه به استمرار ارزش‌ها و معیارهای مطلوب گذشته
			نماد و نشانه		استفاده از نمادها و نشانه‌های مطلوب فرهنگی
		خوانایی و نفوذ پذیری	مقیاس و ابعاد		توجه به معناداری و قابل درک بودن در نظر داشتن مقیاس انسانی و توجه به مقیاس زمینه
			بازشوها و ورودی‌ها		سهولت دسترسی به فضا و کیفیت نفوذپذیری جداره

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

نقد محتوایی و اجرایی دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم؛ از مفهوم هویت تا واقعیت کالبدی

یکی از بنیادی‌ترین کاستی‌های دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم، فقدان تعریف مشترک و قابل سنجش از مفهوم «معماری ایرانی-اسلامی» است. اگرچه رعایت مبانی و اصول معماری اصیل ایرانی-اسلامی در دستورالعمل الزامی دانسته شده، ابزار دقیقی برای تشخیص و ارزیابی میزان تحقق آن در اختیار طراح و مرجع بررسی نما قرار نگرفته است. این ابهام از آن جهت اهمیت دارد که تقلیل معماری ایرانی-اسلامی به عناصری همچون آجر، قوس، کاشی، نقوش سنتی یا رنگ‌های خاص می‌تواند به تولید نماهایی منجر شود که صرفاً واجد «ظاهر تاریخی» هستند، بی‌آنکه منطق فضایی، اجتماعی و فرهنگی معماری ایرانی را بازتاب دهند. در مقابل، تعریف این مفهوم بر پایهٔ اصولی همچون تناسب، زمینه‌گرایی، حریم، سلسله‌مراتب، ارتباط با طبیعت، کیفیت فضای عمومی و پیوند با فرهنگ محلی، امکان انطباق آن با معماری معاصر را افزایش می‌دهد. بنابراین، ضابطه باید از صرف توصیف «نتیجه مطلوب» فراتر رفته و فرایند و معیار دستیابی به آن نتیجه را نیز مشخص کند. جدول ۲ به نقد بندهای آیین‌نامهٔ سیما و منظر شهر قم و کاستی‌های آن پرداخته شده است.

کارآمدی ضوابط، نه در متن سند، بلکه در واقعیت کالبدی شهر قابل مشاهده است. بررسی میدانی اولیه در منظر شهری قم نشان می دهد نماهای جدیدی که بعد از ابلاغ این آیین‌نامه احداث شده از نظر انسجام و وحدت بصری، رعایت حریم، سلسله‌مراتب فضایی، استفاده از مصالح بومی و تناسبات هندسی با اصول مورد تأکید اسناد فاصله دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که میان «وجود ضابطه» و «تحقق ضابطه» شکافی جدی وجود دارد. ازاین‌رو، ارزیابی کارآمدی دستورالعمل باید علاوه‌بر محتوای آن، وضوح معیارها، ابزارهای ارزیابی کمیته نما، تقسیم مسئولیت میان نهادها، استمرار نظارت پس از صدور مجوز و ضمانت اجرای تخلفات را نیز دربرگیرد. بااین‌حال، نسبت دادن این شکاف صرفاً به ضعف ضوابط یا عملکرد طراحان و سازندگان، مسئله را ساده‌سازی می‌کند. ساخت‌وساز شهری تحت تأثیر عواملی همچون قیمت زمین، هزینه و سرعت ساخت، ارزش فروش، منافع اقتصادی سازندگان و ترجیحات مصرف‌کنندگان قرار دارد. بنابراین، حتی ضابطه‌ای که از نظر معماری و هویتی مطلوب باشد، در صورت ناسازگاری با ساختار اقتصادی ساخت‌وساز، الزاماً تحقق نخواهد یافت. از سوی دیگر، مشارکت محدود شهروندان و استفاده‌کنندگان در تدوین معیارهای سیما و منظر می‌تواند موجب شود ضوابط بدون شناخت کافی از نیازها و ترجیحات اجتماعی شکل گیرند. از این منظر، شکل‌گیری «نمای ایرانی-اسلامی» نیازمند فرایندی مشارکتی میان متخصصان، مدیریت شهری، سازندگان، ساکنان، نهادهای میراث فرهنگی و سایر ذی‌نفعان است. در نهایت، نقد ضوابط نباید به سطح نما محدود بماند. منظر شهری حاصل تعامل نما با قطعه‌بندی زمین، پاکت حجمی، ارتفاع بنا، خط آسمان، نحوهٔ استقرار ساختمان، جهت‌گیری معابر، فضاهای باز و نیمه‌باز و روابط همجواری است. بنابراین، اگر هدف سیاست‌گذاری، تحقق منظر شهری هویت‌مند و منطبق با اصول ایرانی-اسلامی است، تمرکز صرف بر نمای ساختمان کافی نیست و باید دامنه ضوابط از نما به نظام فضایی و کالبدی شهر گسترش یابد. بر این اساس، کارآمدی سیاست‌گذاری زمانی افزایش خواهد یافت که سه سطح به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد: تعریف روشن مفهوم هویت، تبدیل آن به معیارهای قابل سنجش و پیوند دادن معیارها با سازوکارهای اجرایی، اقتصادی و اجتماعی تحقق آن‌ها (تصاویر ۲ و ۳).

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

جدول۲. بررسی و نقد آیین‌نامه سیما و منظر شهر قم.

بند/ مضمون آیین‌نامه قم	مؤلفه	محتوای ضابطه	مبنای نقد	کاستی یا ابهام ضابطه	پیامد احتمالی
بند ۴-۱	هویت ایرانی- اسلامی	رعایت مبانی و اصول معماری اصیل ایرانی اسلامی و الگوی حاکم بر معماری بومی قم الزامی است.	هویت معماری مفهومی چندبعدی و زمینه‌مند است.	مؤلفه‌های قابل تشخیص و معیار ارزیابی «معماری اصیل ایرانی اسلامی» مشخص نشده است.	امکان تفسیر سلیقه‌ای هویت و تقلیل آن به عناصر ظاهری
بند ۴-۱	فرم و سبک معماری	استفاده از سبک و فرم نامتعارف و مغایر با اصول مذکور در طراحی و احداث نما غیرمجاز است.	هرگونه‌ممنوعیت فرمی نیازمند تعریف معیار «نامتعارف» است.	مشخص نیست نامتعارف بودن بر اساس چه معیار، مقیاس یا مرجع ارزیابی تعیین می‌شود.	محدود شدن نوآوری معماری و تصمیم‌گیری سلیقه‌ای
بند ۴-۲	هماهنگی با محیط	طراحی نما باید با خیابان، محله، عناصر طبیعی، محیط و هنجارهای فرهنگی هماهنگ باشد	هماهنگی در ادبیات منظر شهری الزاماً به معنای شباهت نیست	مقیاس «محیط» و مؤلفه‌های تعیین‌کننده هماهنگی مشخص نشده است.	امکان برداشت‌های متفاوت و گرایش به تقلید صوری
بند ۴-۴/۳-۴	شکل و تناسبات	شکل، مقیاس، مصالح، رنگ و تناسبات حجم باید با محیط پیرامون هماهنگ باشند.	کیفیت منظر حاصل رابطهٔ چند مؤلفه با یکدیگر است.	روش ارزیابی تناسب، نسبت‌ها و میزان قابل قبول تفاوت مشخص نشده است.	تأیید یا رد طرح‌ها بر مبنای قضاوت کارشناسی متفاوت
بند ۴-۳	مقیاس	رعایت مقیاس در ارتباط با محیط پیرامون مورد تأکید است.	مقیاس باید در رابطه با معبر، قطعه، ساختمان مجاور و محور تعریف شود.	مقیاس انسانی، ساختمانی و شهری از یکدیگر تفکیک نشده	احتمال ایجاد گسست مقیاسی
بند ۴-۳	مصالح بومی	استفاده از مصالح بومی برای نما توصیه شده است.	بومی بودن مصالح تنها یکی از عوامل کیفیت نماست.	معیار بومی بودن و اولویت‌بندی آن نسبت به دوام، فناوری، اقتصاد و اقلیم روشن نیست.	استفاده صوری از مصالح بومی بدون تضمین کیفیت کلی نما
بند مربوط به مصالح و بافت تاریخی	بافت تاریخی	رنگ، بافت و مصالح نما در بخش‌های تاریخی باید با زمینه همخوان باشد و ترجیحاً مصالح بومی/ محلی انتخاب شود.	در بافت تاریخی، نوع و میزان مداخله باید زمینه‌محور باشد.	سطح و نحوهٔ سنجش «همخوانی» تعریف نشده است.	امکان تقلید تاریخی یا اعمال معیار واحد بر بافت‌های متفاوت

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

ادامه جدول ۲.

بند/ مضمون آیین‌نامه قم	مؤلفه	محتوای ضابطه	مبنای نقد	کاستی یا ابهام ضابطه	پیامد احتمالی
بند ۴-۴-۱	رنگ نما	انتخاب رنگ باید با شرایط اقلیمی، معماری بومی و مبانی زیبایی‌شناسی متناسب باشد.	رنگ یک مؤلفهٔ ادراکی و وابسته به زمینه است.	مشخص نیست هماهنگی رنگ در چه مقیاسی ارزیابی می‌شود.	تفاوت در قضاوت کارشناسان و محدودیت تنوع کنترل‌شده
بند ۴-۴-۲	رنگ‌های تند	استفادهٔ غالب از رنگ‌های تند و غیرمتعارف‌مانند قرمز، صورتی، بنفش و سیاه منع شده و استفاده محدود از آنها مجاز است.	رنگ باید علاوه‌بر نوع، در ترکیب، نور و زمینه بررسی شود.	مفهوم «تند» و «غیرمتعارف»تعریف دقیق ندارد؛ درصد نیز به‌تنهایی کیفیت ترکیب را تعیین نمی‌کند	کنترل صوری رنگ بدون تضمین کیفیت بصری
بند ۴-۵-۱	مصالح غالب نما	در محدودهٔ مرکزی شهر قم حداقل ۵۰ درصد مصالح بدنه و نما باید آجر باشد و ترکیب رنگی مشخصی رعایت شود.	درصد مصالح، کیفیت معماری را به‌تنهایی تعیین نمی‌کند	ضابطه بیشتر بر کمیت مصالح تمرکز دارد تا نحوهٔ ترکیب، بافت، جزئیات و تناسب آن با بنا	شکل‌گیری نماهای مشابه و احتمال تبدیل آجر به عنصر صرفاً الزامی
بند ۴-۵	مصلح مکمل	استفاده از سنگ طبیعی و مصنوعی به‌عنوان مکمل و با رنگ‌های مشخص مجاز است.	مصالح باید در رابطه با کل ترکیب نما ارزیابی شوند.	معیار کیفیت ترکیب مصالح و نسبت بصری آنها به‌طور کامل تبیین نشده است.	ترکیب‌های تکراری و کاهش تنوع کنترل‌شده
بند ۴-۵	مصلح جدید	استفاده از سایر مصالح تا سقف مشخصی از سطح نما مجاز است.	فناوری و مصالح جدید الزاماً ناسازگار با هویت نیستند.	میزان مجاز مصالح به‌تنهایی نمی‌تواند سازگاری معماری را تعیین کند.	محدودیت نوآوری در فناوری و مصالح معاصر
ضوابط مربوط به بازشو و شیشه	سطوح شفاف و بازشوها	میزان و نحوهٔ استفاده از سطوح شفاف و بازشوها محدود شده است.	بازشو عملکرد، اقلیم، نور، دید و بیان معماری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	محدودیت کمی بدون توجه کافی به جهت‌گیری، اقلیم، عمق نما و عملکرد فضا قابل نقد است.	احتمال تولید نماهای کم‌انعطاف و کاهش کیفیت نور و ارتباط داخل و خارج

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]

[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

ادامه جدول ۲.

بند/ مضمون آیین‌نامه قم	مؤلفه	محتوای ضابطه	مبنای نقد	کاستی یا ابهام ضابطه	پیامد احتمالی
ضوابط مرتبط با بازشو و نما	حریم	طراحی نما باید با الزامات فرهنگی و حریم سازگار باشد.	حریم در معماری ایرانی-اسلامی یک رابطه فضایی و اجتماعی است.	امکان تقلیل حریم به کنترل سطح بازشو یا عناصر پوشاننده وجود دارد.	شکل‌گیری راهکارهای صوری به جای حل فضایی مسئلهٔ حریم
تعریف و ضوابط خط آسمان	خط آسمان	خط آسمان به‌عنوان عامل پیوستگی و هماهنگی بدنه مورد توجه قرار گرفته است.	خط آسمان در مقیاس محور و مجموعهٔ‌ساختمان معنا پیدا می‌کند.	معیار مشخصی برای سنجش پیوستگی خط آسمان در مقیاس محور ارائه نشده است.	گسست حجمی و ناهماهنگی در امتداد جداره
بندهای مربوط به بام	بام و نمای پنجم	نوع پوشش بام و مصالح آن با توجه به اقلیم و تأثیر آن بر دمای شهر مورد توجه قرار گرفته است.	بام بخشی از منظر شهری و محیط زیست شهری است.	ارتباط میان بام، حجم ساختمان و منظر از بالا به‌طور جامع تعریف نشده است.	توجه بخشی به بام بدون کنترل کامل کیفیت حجمی ساختمان
بند ۴-۳/ ضوابط بام سبز	بام سبز	اجرای بام سبز با رعایت ضوابط و تأیید مرجع مربوط مجاز و توصیه شده است.	بام سبز باید با اقلیم، نگهداری و ساختار ساختمان هماهنگ باشد.	سازوکار ارزیابی کیفیت و استمرار نگهداری آن محدود است.	اجرای موردی بدون تضمین استمرار عملکرد
بند مربوط به بام	مصالح بام	استفاده از مصالح طبیعی و ترجیحاً آجر سنتی بر روی سطوح عایق‌شده بام الزام شده است.	بام از نظر انرژی، عملکرد حرارتی و منظر باید همزمان بررسی شود.	تأکید بر یک ماده مشخص می‌تواند بر راهکارهای نوین عملکردی غلبه کند.	کاهش انعطاف در انتخاب فناوری‌های نوین بام
ضوابط ساماندهی تأسیسات	تأسیسات نمایان	کانال‌ها، کولرها، ناودان‌ها، سیم‌ها، کابل‌ها، دودکش‌ها و لوله تأسیساتی نباید در منظر عمومی قابل مشاهده باشند و ساماندهی شود.	کنترل تأسیسات نقش مهمی در کیفیت بصری دارد.	ضابطه عمدتاً بر حذف دید تأسیسات تمرکز دارد و راهکار معماری یکپارچه آنها را کمتر توضیح می‌دهد.	پنهان‌سازی صوری یا انتقال مسئله به بخش‌های دیگر ساختمان

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

ادامه جدول ۲.

بند/ مضمون آیین‌نامه قم	مؤلفه	محتوای ضابطه	مبنای نقد	کاستی یا ابهام ضابطه	پیامد احتمالی
ضوابط تأسیسات و نما	تجهیزات الحاقی	تعبیهٔ تجهیزات بر روی دیوارهای جانبی که موجب اغتشاش بصری شوند ممنوع است و باید در نقشه تأسیسات پیش‌بینی شوند.	هماهنگی تأسیسات باید از مرحله طراحی انجام شود.	نحوهٔ طراحی یکپارچه تجهیزات با پوستهٔ ساختمان مشخص نشده است.	تفاوت میان طرح مصوب و اجرای واقعی
ضوابط عناصر وابسته به نما	تابلو و عناصر الحاقی	عناصر الحاقی باید با کلیت نما و منظر هماهنگ باشند.	نما یک سیستم یکپارچه است.	در صورت نبود معیار روشن، ارزیابی می‌تواند سلیقه‌ای باشد.	افزایش آشفتگی بصری در صورت اجرای ناقص
بند ۴-۱۱	حصار و کارگاه ساختمانی	برای محصور کردن پروژه در زمان ساخت، پوشش مشخص و ایمن پیش‌بینی شده است.	منظر شهری در زمان ساخت نیز بخشی از کیفیت محیط است.	توجه به دورهٔ ساخت بیشتر اجرایی است تا بخشی از راهبرد طراحی منظر.	استمرار آشفتگی بصری در دورهٔ ساخت
اهداف و بندهای مصالح و رنگ	هماهنگی با اقلیم	هماهنگی نما با اقلیم قم از اهداف اصلی سند است.	اقلیم باید در فرم، سایه‌اندازی، بازشو، مصالح و پوسته بررسی شود.	در برخی ضوابط، اقلیم بیشتر به رنگ و مصالح تقلیل پیدا می‌کند.	کاهش ظرفیت راهکارهای اقلیمی خلاقانه
اهداف دستورالعمل	هویت شهری قم	حفظ و تقویت هویت و اصالت شهر قم هدف صریح سند است.	هویت شهری حاصل ترکیب تاریخ، کالبد و تجربهٔ شهروندان است.	سازوکار تبدیل مفهوم هویت شهری به معیارهای طراحی روشن نیست.	احتمال شکل‌گیری «هویت تصویری» به جای هویت فضایی
فصل ۵	ساختار نظارت	طراح، ناظر و مرجع صدور پروانه در تأیید و اجرای طرح نما مسئولیت دارند.	ضابطهٔ زمانی مؤثر است که معیار ارزیابی آن عینی و قابل تکرار باشد.	ابهام مفهومی برخی معیارها می‌تواند کیفیت نظارت را وابسته به برداشت کارشناسان کند.	احتمال تفاوت در تصمیم‌های تأیید و رد نما

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

تصویر ۲. استفاده از گنبدهای نامتعارف و سنتوری در نمای ساختمان مصداق بارز اشرافی‌گری و هجمهٔ فرهنگی است عدم توجه به قوانین بالادست و معیارهای شهرسازی تأثیر مستقیمی بر اختلال در نما و سیمای شهر دارد. مأخذ: نگارنده.

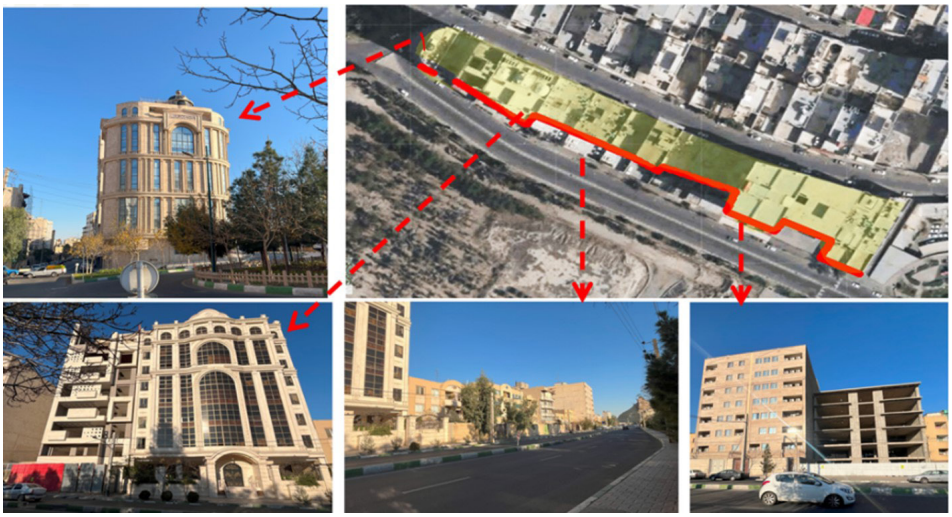

تصویر ۳. سیمای شهری از سیلوئت شهری و قوانین مهمی مانند تراکم وسطح اشغال نیز متأثر است و اصلاح این امر نیازمند حساسیت ارگان‌های ذی‌ربط با تخلفات اضافه بنا و افزایش سطح اشغال می باشد. مأخذ: نگارنده.

نقد حاضر نشان داد که نظام اسناد و ضوابط سیما و منظر شهری قم را نمی‌توان فاقد توجه به هویت ایرانی-اسلامی دانست. طی چند دهه، این مفهوم به‌طور گسترده وارد قوانین، مصوبات و دستورالعمل‌های ملی و محلی شده و از این منظر، مهم‌ترین نقطهٔ قوت نظام موجود، تثبیت هویت ایرانی-اسلامی به‌عنوان یکی از موضوعات رسمی سیاست‌گذاری شهری است. بااین‌حال، مسئلهٔ اصلی در مرحلهٔ تبدیل این گفتمان به معیارهای دقیق و قابل ارزیابی آشکار می‌شود. مفاهیمی مانند «معماری اصیل ایرانی-اسلامی»، «فرم نامتعارف»، «هماهنگی با محیط»، «مصالح بوم‌آورد» و «رنگ مناسب» در برخی موارد فاقد تعریف عملیاتی و روش سنجش روشن‌اند و همین امر می‌تواند زمینهٔ تفسیرهای متفاوت و اعمال سلیقه در فرایند ارزیابی نما را افزایش دهد.

از سوی دیگر، تعدد اسناد و نهادهای مرتبط، بدون وجود سلسله‌مراتب و پیوند اجرایی روشن، الزاماً به افزایش کارآمدی منجر نمی‌شود. شکاف میان ضابطه و واقعیت کالبدی نیز صرفاً حاصل ضعف

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]

[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

مقـررات نیسـت و عواملـی همچـون اقتصـاد ساخت‌وسـاز، قیمـت زمین، منافـع سـازندگان، ترجیحات بـازار، ظرفیـت نظـارت و میـزان مشـارکت شـهروندان در آن نقـش دارنـد. بنابرایـن، پاسـخ بـه پرسـش اصلـی نقد آن اسـت کـه اسـناد موجـود در تثبیـت گفتمـان معمـاری ایرانی-اسـلامی موفـق بوده‌انـد، امـا در تبدیل آن بـه نظامـی منسـجم، قابـل سـنجش، اجرایـی و الـزام‌آور همچنـان بـا کاسـتی مواجه‌انـد. مسـئلۀ بنیادیـن، نـه فقـدان سـند، بلکـه شـکاف میـان مفهـوم، معیـار، اجـرا و ارزیابی اسـت.

بـر ایـن اسـاس، بهبـود نظـام سیاسـت‌گذاری سـیما و منظـر شـهری قـم نیازمنـد حرکـت از تولیـد اسـناد بیشـتر بـه سـمت عملیاتی‌کـردن اسـناد موجـود اسـت. در گام نخسـت، بایـد بـا مشـارکت متخصصـان معمـاری، شهرسـازی، تاریـخ معمـاری، علـوم اجتماعـی و مطالعات اسـلامی، تعریـف عملیاتـی و زمینه‌محور از معمـاری ایرانی-اسـلامی ارائـه و سـپس مؤلفه‌هایـی ماننـد تناسـب، مقیـاس، حریـم، همجـواری، خـط آسـمان، مصالـح، رنـگ، ریتـم و ارتبـاط بـا زمینـه بـه شـاخص‌های قابـل سـنجش تبدیـل شـوند. تدویـن چک‌لیسـت واحـد ارزیابـی نمـا و ایجـاد ارتبـاط مشـخص میـان اسـناد ملـی، ضوابـط شـهری و فراینـد نظـارت نیـز می‌توانـد از تفسـیرهای سـلیقه‌ای بکاهـد. همچنیـن، نقـش کمیته‌هـای نمـا بایـد از کنتـرل صـرف بـه سـمت هدایـت، ارزیابـی و پایـش مسـتمر کیفیـت تغییـر یابـد و در کنـار الزامـات قانونـی، عوامل اقتصـادی و اجتماعـی نیـز مـورد توجـه قـرار گیرنـد؛ از جملـه ایجـاد مشـوق بـرای سـازندگان، افزایـش مشـارکت شـهروندان و اسـتفاده از ظرفیـت ذی‌نفعـان محلـی. در سـطح کالبـدی نیـز دامنه سیاسـت‌گذاری بایـد از «نمـا» فراتـر رفتـه و مؤلفه‌هایـی همچـون قطعه‌بنـدی، حجـم بنـا، ارتفـاع، خـط آسـمان، نحـوۀ اسـتقرار سـاختمان، فضاهـای بـاز و نیمه‌بـاز و نظـام همجـواری را دربرگیـرد. در نهایـت، پیشـنهاد می‌شـود پژوهش‌هـای آینـده بـا مطالعـات تطبیقـی میـان قـم و سـایر شـهرهای تاریخـی و مذهبـی ایـران، امـکان اسـتخراج شـاخص‌های مشـترک و زمینه‌محـور را بررسـی کننـد و ارزیابـی پـس از اجـرا را به‌عنـوان معیـار اصلـی سـنجش اثربخشـی ضوابـط بـه کار گیرنـد؛ زیـرا موفقیـت یـک سیاسـت شـهری نـه بـا تعداد اسـناد تصویب‌شـده، بلکـه بـا میـزان تحقـق اصـول آن در محیـط واقعـی سـنجیده می‌شـود.

نتیجه‌گیری

مسـئلۀ هویـت ایرانی-اسـلامی در سـیما و منظـر شـهری ایـران طـی چنـد دهـه از یـک دغدغـۀ نظـری بـه موضوعـی رسـمی در قوانیـن و سیاسـت‌های شـهری تبدیـل شـده اسـت. بااین‌حـال، نقـد اسـناد مرتبـط بـا شـهر قـم نشـان می‌دهـد کـه افزایـش تعـداد اسـناد الزاماً بـه معنـای افزایـش کارآمـدی آن‌هـا نیسـت. هنگامـی کـه مفاهیمـی ماننـد هویـت، اصالـت، هماهنگـی و معمـاری ایرانی-اسـلامی فاقـد تعریـف دقیـق، معیارهـای قابـل سـنجش، ابـزار ارزیابـی و سـازوکار روشـن نظـارت باشـند، فاصلۀ میان ضابطـه و اجـرا افزایش می‌یابـد. دسـتورالعمل سـاماندهی نماهـای شـهر قـم از نظـر تأکیـد بـر معمـاری ایرانی-اسـلامی، هماهنگـی بـا زمینـه، مصالـح، رنـگ، تناسـبات، حریـم و کیفیـت منظـر، ظرفیت‌هـای قابـل توجهـی دارد؛ بااین‌حـال، در بسـیاری از مـوارد معیارهـای آن بـه انـدازه‌ای عملیاتـی نشـده‌اند کـه بتـوان بـر اسـاس آن‌هـا بـا حداقـل اختـلاف، میـزان انطبـاق یـک طـرح را ارزیابـی کـرد. بنابراین، نقـد اصلـی متوجه اصـل هویت ایرانی-اسـلامی نیسـت، بلکـه متوجـه نحـوۀ تعریـف، تفسـیر و عملیاتی‌سـازی آن در نظـام ضوابـط شـهری اسـت. بـر ایـن اسـاس، تحقـق منظـر شـهری هویت‌منـد مسـتلزم عبـور از زنجیـرۀ ارزش‌هـا بـه معیـار سـپس اجـرا و در نهایـت پایـش و ارزیابـی اسـت. همچنیـن، آشـفتگی سـیمای شـهری قـم را نمی‌تـوان صرفاً بـه ضعـف طـراح، سـازنده یـا یـک دسـتورالعمل نسـبت داد؛ بلکـه ایـن وضعیـت حاصـل تعامـل میـان نظـام ضوابـط، سـاختار نهـادی، اقتصـاد ساخت‌وسـاز، ترجیحـات اجتماعـی، ظرفیـت مدیریـت شـهری و میـزان مشـارکت

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

شـهروندان اسـت. در نتیجـه، سیاسـت‌گذاری آینـده بـه جـای افـزودن اسـناد جدیـد، بایـد بـر یکپارچه‌سـازی اسـناد موجـود، تعریـف دقیـق و زمینه‌محـور مفاهیـم، تدویـن شـاخص‌های قابـل سـنجش، تقویـت نظـارت و مشـارکت ذی‌نفعـان و ارزیابـی پـس از اجـرا تمرکـز کنـد. تنهـا از ایـن مسـیر می‌تـوان انتظـار داشـت کـه معمـاری ایرانی-اسـلامی از سـطح یـک گفتمـان هویتـی فراتـر رفتـه و بـه کیفیتـی واقعـی، قابـل سـنجش و قابـل تجربـه در منظـر شـهری قـم تبدیـل شـود.

منابع

- بهزادفـر، مصطفـی. (۱۳۸۶). *هویـت شـهر: نگاهـی بـه هویـت شـهر تهـران*. سـازمان فرهنگـی هنـری شـهرداری تهـران، مؤسسـه نشـر شـهر.
- پیرنیـا، محمدکریـم و معماریـان، غلامحسـین. (۱۳۷۴). *آشـنایی بـا معمـاری اسـلامی ایـران*. دانشـگاه علـم و صنعـت ایـران.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۷). *از شار تا شهر: تحلیل تاریخی شهر و سیمای کالبدی آن*. دانشگاه تهران.
- حکیـم، بسـیم سـلیم. (۱۳۸۱). *شـهرهای عربـی ـ اسـلامی: اصـول شهرسـازی و سـاختمانی* (ع. اقوامی‌مقـدم و م. ملک‌احمـدی، ترجمـه.). سـازمان چـاپ و انتشـارات وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی.
- *دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم* (ویرایش دوم). (۱۳۹۹). سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قم.
- شـورای عالـی انقـلاب فرهنگـی. (۱۴۰۳). *سـند ملـی شهرسـازی و معمـاری اسـلامی-ایرانی*. مصـوب جلسـه ۹۰۱ شـورای عالـی انقـلاب فرهنگـی، ۲۳ خـرداد ۱۴۰۳.
- شـورای عالـی شهرسـازی و معمـاری ایـران. (۱۳۸۷). *ضوابـط و مقـررات ارتقـاء کیفـی سـیما و منظـر شـهری*. مصـوب ۲۵ آذر ۱۳۸۷.
- شـورای عالـی شهرسـازی و معمـاری ایـران. (۱۳۹۱الـف). *سـند جامـع ارتقـاء کیفـی سـیما و منظـر شـهری*. مصوبـه شـماره ۶۰۶۴۹/۳۰۰/۹۱، ۲ دی ۱۳۹۱.
- شـورای عالـی شهرسـازی و معمـاری ایـران. (۱۳۹۱ب). *ضوابـط و شـاخص‌های لازم‌الرعایـه جهـت بازیابـی هویـت شهرسـازی و معمـاری اسـلامی-ایرانی*. مصـوب ۱۴ اسـفند ۱۳۹۱.
- شـورای عالـی شهرسـازی و معمـاری ایـران. (۱۴۰۲). *ضوابـط عمومـی طراحـی نمـای بناهـای شـهری*. مصـوب ۲۱ اسـفند ۱۴۰۲
- فارابی، ابونصر. (۱۳۷۶). *السیاست المدنیه* (ح. ملکشاهی، ترجمه.). سروش.
- نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). *مبانی نظری معماری*. دانشگاه پیام نور.
- نقـره‌کار، عبدالحمیـد؛ حمزه‌نـژاد، مهـدی و رنجبـر کرمانـی، علی‌محمـد. (۱۳۸۷). *درآمـدی بـر هویـت اسـلامی در معمـاری* (س. ن. اورزمانـی، ویراسـتار). شـرکت طـرح و نشـر پیـام سـیما: وزارت مسـکن و شهرسـازی، دفتـر معمـاری و طراحـی شـهری.

- Alexander, C. (2016). *Notes on the Synthesis of Form* (S. Zarinmehr, Trans). Rowzaneh. (Original work published 1964)
- Ardalan, N., & Bakhtiar, L. (2001). *The sense of unity: the Sufi tradition in Persian architecture*. Khak. (Original work published 1973)
- Bemanian, M. R. (2007). *The Study of God Central Role About Moslems Architecture*. International Journal of Industrial Engineering and Production Management, 18(5), 37-44. https://sid.ir/paper/65701/en
- Burckhardt, T. (1990). *Sacred Art in East & West* (J. Satari, Trans.). Soroush. (Original work published 1967)
- Carmona, M. (2021). *Public places, urban spaces: The dimensions of urban design* (3rd ed.). Routledge. https://doi.org/10.4324/9781315158457
- Chen, X., Ding, X., & Ye, Y. (2025). Mapping sense of place as a measurable urban identity: Using street view images and machine learning to identify building façade materials. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science, 52*(4), 965–984. https://doi.org/10.1177/23998083241279992
- Falamaki, M. M. (2010). *Revitalization of historical monuments cities*. University of Tehran Press.
- Lynch, K. (2016). *The Image of the city* (S. H. Bahreini). University of Tehran Press. (Original work published 1960).
- Majidi, M., & Afzali, A. (2026). Façade as the Narrator of Power: A Case Study of the Historical Fabric of Qom. *Journal of Revitalization School, 3* (9), 48-63.
- Naghizadeh, M. (2006). *Princples of religious art in islamic culture*. Rahian
- Naghizadeh, M. (2013). *The city of vigilance* (principles, methods, manifestations). Islamic Azad University Science and Research Branch.
- Nasr, S. H. (1996). *Islamic art spirituality* (R. Ghasemian, Trans.). Hekmat. (Original work published 1987)

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]

[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

- Pineda-Zumarana, J., & Alpaca-Chavez, M. (2024). Revisiting façade design and its contribution to the urban experience in the 21st century. *Journal of Urban Design, 29*(6), 735–752. https://doi.org/10.1080/13574809.2024.2348553
- Tavasoli, M. (1986). *Principles and techniques of urban design in Iran*. Ministry of Housing and Urban Planning, Urban Planning and Architecture Office
- Tavasoli, M. (2000). Husayniyya, Takyeh and Musalla. In M. Y. Kiani, *Iranian Architecture Islamic Period*. Samt.
- Tavassoli, M., & Bonyadi, N. (1992). *Urban space design*. Urban Planning and Architecture Studies and Research Center-Iran.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]

[DOI: 10.22034/jcr.1.1.4.2.9.2]

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained bye the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/version4/)